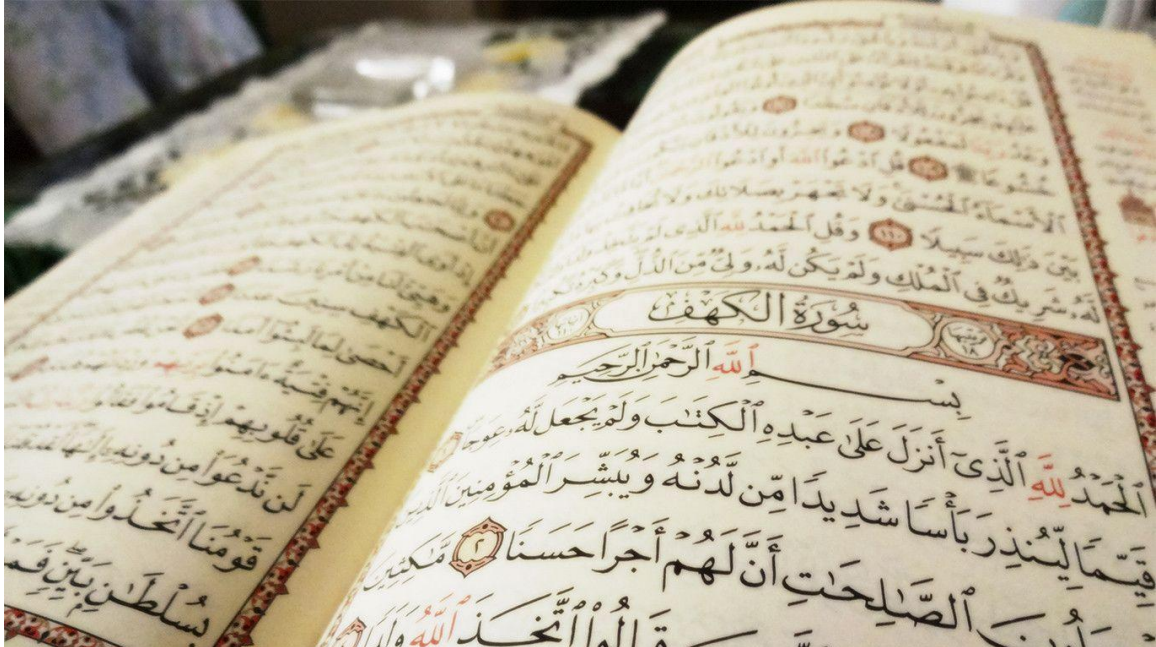


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعوت الی الله با حکمت و موعظه حسنه



(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾

[نحل: ۱۲۵-۱۲۸]

ترجمه: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت از هر کسی بهتر می‌داند، چه کسی از راه او گمراه شده‌است و او به هدایت یافته‌گان داناتر است و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. صبر کن و صبر تو فقط برای الله (سبحانه و تعالی) و به توفیق او (سبحانه و تعالی) باشد و بخاطر (کارهای) آن‌ها، اندوهگین و دلسرد مشو و از توطئه‌های آن‌ها در تنگنا قرار مگیر! الله (سبحانه و تعالی) با کسانی است که تقوی پیشه کرده‌اند و با کسانی که نیکوکارند.

کلمه امر (أدعُ) بر سه محور (دعوت گر، دعوت و اسلوب دعوت) می چرخد و برای هر دعوت گری که می خواهد به گونه شایسته‌ی آن در طاعت الله سبحانه و تعالی قرار داشته باشد، مسئولیتی را واگذار می کند که انجام آن حتمی و ضروری می باشد.

دعوت الی الله در حقیقت دعوت به "لا اله الا الله محمد رسول الله" و دعوت به ایمان به عقیده اسلامی می باشد؛ ایمان به الله، ملائک، کتابها و پیامبران الله سبحانه و تعالی، ایمان به قضاء و قدر و این که خیر آنها و شر آنها صرفاً از جانب الله سبحانه و تعالی می باشد و بس. دعوت الی الله در حقیقت دعوت به کار نمودن در راستای آن چیزی می باشد که لازمه چنین ایمانی است، دعوت برای از سرگیری زندگی اسلامی و برای ایجاد دولت اسلامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را در مدینه منوره تأسیس کرده بود؛ دولتی که اسلام را تطبیق، احکام اسلامی را اجراء، خیر و صلاح جامعه را تأمین و میان مردم عدل و انصاف را پدید می آورد.

دولت اسلامی به سرعت در جهان وسعت یافت؛ چنانچه جمعیت مسلمانان امروزه نزدیک به یک چهارم از جمعیت زمین، به حدود ۱.۸ میلیارد مسلمان رسید، سرزمین های اسلامی در امتداد سه قاره معروف گسترش یافت، مسلمانان در سراسر جهان گشت و گذار نموده و هیچ کم و کاستی نداشتند؛ آنچه که امروزه مسلمانان ندارند، دولتی می باشد که شریعت الله سبحانه و تعالی را در میان شان تطبیق نموده و تحت حاکمیت اش از همه امور مسلمان ها رعایت به عمل آید، از آنها و سرزمین های شان حفاظت و خیر و صلاح شان تأمین گردد؛ دولتی که اسلام را در اقصی نقاط زمین گسترش داده، زمینه و اسباب زندگی تحت سایه شریعت اسلام را برای مسلمانان فراهم کند و اسلام را بار دیگر در زندگی بشریت منحیث یک واقعیت زنده برگرداند. بلی، این است جایگاه مختصر دعوت.

همان گونه که ملاحظه می گردد، روشن است که امروزه دعوت در مجرای درست طبیعت خود قرار ندارد. دعوت گران وابسته به دولت های حاکم بر سرزمین های اسلامی، تنها برای خدمت به باداران خود بر اسلوب دعوت متمسک شده و از اصل دعوت غافل می باشند؛ زیرا که دعوت در نزدشان از کدام اهمیت و جایگاهی برخوردار نیست. دولت هایی که به آنها وابسته می باشند، در عوض حکومت بر اساس اسلام، مطابق به سرمایه داری استعمارگر و نظام های ظالمانه و ستمگرانه حکومت می کنند.

در قدم نخست یک دعوت گر باید بداند که به چه چیزی دعوت می کند و آنچه که دیگران را به آن دعوت می کند، باید خود نیز به آن ملبس باشد؛ به این معنی که نباید گفتارش مخالف کردارش باشد، خواه این دعوت گر یک شخص و یا دولت اسلامی باشد؛ چون دولت اسلامی در واقع نماینده ی تطبیق اسلام بوده و باید سیاست های داخلی و سیاست های خارجی خود را بر اساس عقیده ی اسلامی استوار سازد.

دعوت الی الله به خاطر شخص دعوت گر، قوم، منطقه دعوت گر و یا هر شخص و چیزی دیگری نمی باشد؛ بلکه دعوت الی الله صرفاً برای الله سبحانه و تعالی و برای دین و رسولش صلی الله علیه و سلم می باشد. دعوت گر تنها در برابر

وظیفه‌ای که الله سبحانه و تعالی بر دوشش گذاشته مسئول بوده و صرفاً برای دین ثابت الله سبحانه و تعالی فرا می‌خواند و بس؛ وی کدام حق و امتیازی ندارد که ادعا نموده و در برابرش در این دنیا مزدی بخواهد، برای خود و خانواده‌اش خواستار حکومت و یا هرگونه امتیاز دیگری باشد؛ بلکه دعوت‌گر پاداشش را فقط از الله سبحانه و تعالی می‌گیرد.

اسلوب دعوت به حکمت و موعظه‌ی حسنه که عبارت از نیکو سخن گفتن و رعایت حال مخاطب و مهلت دادن به آن و خوب گوش دادن به سخنان یگدیگر است تا اعتماد به راست‌گوی در میان آید، هم‌چنان سخن نرم گفتن که بیان‌گر حسن نیت بوده و هدف رسیدن به نتیجه‌ی حق را نشان می‌دهد. دعوت‌گر باید از توبیخ، سرزنش و اظهار عیب و کاستی‌های مخاطب، جداً اجتناب کند و باید مناقشه، با آرامش کامل بوده و عاری از حمله نمودن، تحقیر، خشم و فریاد بر مخاطب باشد؛ زیرا هدف از دعوت تنها راهنمای بسوی الله سبحانه و تعالی تحقق طاعت و حسن عبادت الله سبحانه و تعالی می‌باشد و نیازی به لجاجت و شدت استدلال نیست؛ بلکه باید مناقشه بر اساس حسن‌بیان و اخلاص‌عمل برای الله سبحانه و تعالی و رسیدن به حق باشد.

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ...﴾

ترجمه: و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به‌مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید.

این قاعده قصاص بالمثل است، بدون از زیاده روی در عکس‌العمل؛ اما با وجود راه‌حل قصاص بالمثل همان‌گونه که آیه‌ی فوق به آن صراحت دارد، قرآن کریم به عفو، صبر و شکیبایی فرامی‌خواند؛ زیرا عفو، صبر و شکیبایی در پذیرفتن اسلام و حقیقت، تأثیرگذاری بیشتری بر طرف مقابل دارد تا قصاص بالمثل؛ اما اگر مخاطب بر جهل و سرکشی خویش اصرار داشته و یا بر کفرش پافشاری داشت، در آن صورت سزاوار عکس‌العمل بوده و بدون کم و کاستی در جزای معین آن مجازات خواهد شد؛ عکس‌العملی که ویژه‌ی دولت اسلامی می‌باشد.

دعوت‌گر برای رسیدن به هدف دعوت‌اش، نیاز به صبر دارد و صبر است که یاری الله سبحانه و تعالی را در پی دارد، صبر و شکیبایی و کنترل احساسات چیزی نیست؛ مگر استجابتی بر این خواسته‌ی الله سبحانه و تعالی:

﴿...وَلَنْ صَبْرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...﴾

[نحل: 126-127]

ترجمه: و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است، صبر کن و صبر تو فقط برای الله (سبحانه و تعالی) و به توفیق او (سبحانه و تعالی) باشد.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[یوسف: ۲۱]

ترجمه: اللّٰه (سبحانه و تعالیٰ) در کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

نویسنده: ابراهیم سلامت

3 ربیع الثانی 1440 هـ.ق

10 دسمبر 2018 م